

نگرشی بر

حقوق نوجوانان و جوانان از

دیدگاه اسلام

دکتر بهرام محمدیان



تربیت اقتصادی

کودکان و نوجوانان امروز، مردان و زنان فردا هستند که چرخ زندگی به دست آنان به گردش می آید و امور آن به رأی و تدبیر ایشان انتظام می یابد.

تربیت علاوه بر آنکه فراهم آوردن فرصت برای رشد و شکوفایی استعدادهای درونی و توانایی های ذاتی است، ایجاد امکان برای پاسخگویی به نیازهای روانی و جسمی، فردی و اجتماعی و ... نیز می باشد. یکی از نیازهای آحاد بشری در زندگی روزمره تأمین معیشت و سامان دهی معاش خود و خانواده است. پاسخگویی درست به این نیاز مانند جواب دادن به هر نیاز دیگر بشری در گرو آموختن و به کار بستن آموخته هاست. همچنانکه حضور در جمع و ایفای نقش در اجتماع مستلزم دانستن و بکار بستن آداب اجتماعی است، تأمین معاش و گذران زندگی نیز نیازمند آگاهی و تربیت اقتصادی است. اسلام به این بُعد از حیات بشر نیز توجه نموده و دستورهایی در این زمینه صادر کرده است.

البته آنچه ما در این بحث به دنبال آن هستیم القای همه جانبه اصول اقتصادی اسلام و یا ارائه خط مشی مالی آن نیست، بلکه بیشتر درصدد بیان این نکته هستیم که آماده ساختن فرزندان مخصوصاً در دوره جوانی و نوجوانی

این فرمایش نبوی تذکر و یادآوری مسؤلیت پدری است که از همان آغاز ولادت که نام کودک را به گوش او می‌خوانند و در طول دوره کودکی و نوجوانی که به تربیت او همت می‌گمارند، به فکر آینده اقتصادی او نیز باشند و از آن غفلت نکنند. او را با کار آشنا کنند، روحیه مسؤلیت‌پذیری در برابر خانواده و جامعه و اتکا به خویش و اعتماد به نفس را در وی شکوفا نمایند و او را در برابر دشواریها و مشکلات احتمالی زندگی آماده کنند.

اسلام علاوه بر اینکه تأمین معاش و آینده‌نگری در حق فرزندان را به جد سفارش می‌کند، اصولاً در مورد مال و ثروت و چگونگی استفاده از آن و به جریان انداختن آن نیز دستورها و تأکیدی دارد که التزام به آنها موجب رشد و شکوفایی زندگی و مایه آسایش و آرامش آحاد جامعه می‌گردد. دین، همان‌گونه که دلبستگی به دنیا را مذموم می‌شمارد، اعراض و روی گردانی از آن را نیز ناپسند می‌داند و در برابر انسان، خط اعتدال را ترسیم می‌کند که مسیر در آن مسیر تعادل انسانی را موجب می‌شود. لذا آنچه در باب تربیت اقتصادی نوجوانان و جوانان طرح می‌کنیم به معنی راه نشان دادن برای مال‌اندوزی و ازدیاد ثروت و یا کسب بیشتر و سود فراوان و یا استثمار و بهره‌کشی از دیگران نیست، زیرا در جهان‌بینی اسلامی انسان به‌عنوان حیوانی در ردیف حیوانات دیگر به شمار نیامده است که منتهای کمال او در تأمین خورد و خوراک او خلاصه شود و یا رفاه اقتصادی او به عنوان هدفی اصیل باشد. بلکه از فعالیت‌های اقتصادی به‌عنوان وسیله‌ای در راه ایجاد حیات طیبه، داشتن زندگی پاک، حفظ استقلال اندیشه و

برای ایفای نقش اقتصادی در زندگی فردی و اجتماعی و یا به عبارت دیگر آماده‌سازی آنان برای تأمین معاش خود و خانواده، جزو حقوق آنان و از جمله وظایف والدین و دستگاه تعلیم و تربیت است. همچنین اجمالاً اشاراتی نیز به اهمیت توجه به این بُعد تربیتی از دیدگاه آیات و روایات خواهیم داشت.

امروزه یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های جوانان، داشتن شغل، تحصیل درآمد و تأمین خرج زندگی آینده است. اما معمولاً برای این نگرانی‌ها از قبل چاره‌اندیشی نمی‌شود و به‌صورت ناگهانی نوجوانان و جوانان بعد از اتمام تحصیلات با آن مواجه می‌شوند و در برهه‌ای که این نیاز و مشکل بروز می‌کند، آمادگی، مهارت و رغبت به کار نیز در جوانان پایین است و ای بسا انتظار دارند خانواده یعنی پدر و مادر و یا دستگاه دولت عهده‌دار تأمین زندگی آنان بشود. البته این انتظار تا جایی که مربوط به فراهم آوردن زمینه و امکان اشتغال باشد، درست و منطقی است، زیرا در آموزه‌های دینی، پدر مکلف است نسبت به تأمین معاش فرزندان در کودکی و نوجوانی اقدام نماید و برای دوره جوانی او نیز شغل مناسبی را تدارک ببیند و او را برای کار کردن آماده سازد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به علی علیه‌السلام فرموده‌اند:

” يَا عَلِيُّ حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَ آدَبَهُ وَيَضُمَّهُ مَوْضِعاً ضَالِحاً “^۱

”ای علی، حق فرزند به پدرش این است که نام نیکو برای وی انتخاب کند و در تربیت صحیح او بکوشد و او را به کار شایسته‌ای بگمارد.“

اموال و منابع ثروت در دست کسانی باشد که شناسای حق (و طرز کاربرد) آن باشند، آن را در راه ایجاد شایستگی ها بکار برند و به طور نیکو آن را بکار گیرند. و از اسباب و علل بی اثر شدن دستورهای اسلامی و نابودی جامعه اسلامی این است که ثروتها در نزد کسانی باشد که حق و طرز کاربرد آن را نشناسند و از آن به طور ناشایست و نامناسب بهره بگیرند و در راه ایجاد امور پسندیده آن را بکار نگیرند.

شاید کسی از این فرمایش امام باقر علیه السلام این چنین برداشت نماید که این سخن ناظر به اقتصاد اجتماعی است و باید در جامعه اسلامی ملاحظه کرد که چه کسانی اختیاردار امور مالی هستند؟ آیا حق را در مورد بکارگیری ثروت و کار برد اموال می شناسند و می دانند یا نه؟ آیا نسبت به برنامه های مالی و اقتصاد جهانی آگاهی دارند؟ و در درجه دوم آیا راه شایسته صرف آن را در جامعه خودی مورد بررسی قرار داده اند یا نه؟ البته این برداشت به گراف و ناروا نیست، ولی مانع از این هم نیست که بگوییم در اقتصاد کوچک خانواده نیز این چنین است. این را بخوبی می دانیم که اقتصاد خرد خانواده عامل تأثیرگذار در اقتصاد کلان جامعه است و همچنین اگر افراد در خانواده با اصول، معیارها و ارزشهای اقتصادی اسلام آشنا شوند و ملتزم به رعایت آنها بار بیایند، یقیناً بسیاری از ناهنجاریها و نابسامانی های مالی در جامعه پیش نمی آید. برای پیشگیری از نابسامانی های اقتصادی که منجر به نزاع و ستیز، فساد و تباهی اخلاقی و ناامنی اجتماعی می شود، باید از خانه و مدرسه شروع کرد. والدین مخصوصاً پدر که مسؤولیت امور اقتصادی و مدیریت خانواده را به عهده

نپذیرفتن سلطه بیگانه یاد شده است. البته مسائل اقتصادی در زندگی افراد و گروههای بشری، اگر هم عامل تعیین کننده ای در همه جهات زندگی عقیدتی، فکری و اجتماعی نباشد، امری غیر قابل تردید و انکار است. به همین جهت است که اسلام درباره نظام معیشتی توصیه های جدی دارد و اجازه نمی دهد که اموال در اختیار نالیقان و نادانان قرار گیرد و تباه شود. و ای بسا سفارش هایی که درباره تربیت اقتصادی فرزندان صورت گرفته، به عنوان زیرساختهای نظام اقتصادی جامعه باشد که به دست آحاد جامعه شکل می گیرد.

قرآن در این باره می فرماید: "وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا... ۲۰" یعنی: اموال خود را که خداوند وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده، به سفیهان مسپارد. با توجه به آیه شریفه فوق، اگر سپردن و قرار دادن اموال به دست نادانان جایز نباشد، یقیناً مفهوم موافق آن، این خواهد بود که هر کس بخواهد عهده دار تصرف در اموال خود و یا دیگران باشد، لازم است شایستگی های مورد نیاز را کسب کند، و این مهم از کوچکترین واحد اجتماعی یعنی خانواده شروع می شود و تا گسترده ترین عرصه فعالیت های اقتصادی، اجتماعی تعمیم می یابد. امام باقر علیه السلام سخن پر معنایی در این باب دارند. ایشان می فرمایند: "إِنَّ مِنْ بَقَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَبِقَاءِ الْإِسْلَامِ أَنْ تَصْبِرَ الْأَمْوَالُ عِنْدَ مَنْ يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ وَ يَضَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ، وَإِنَّ مِنْ قَسَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَ قَسَاءِ الْإِسْلَامِ أَنْ تَصْبِرَ الْأَمْوَالُ عِنْدَ مَنْ لَا يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ وَ لَا يَضَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ... ۲۱"

یعنی از موجبات بقای آثار سازنده اسلام و سرفرازی و عزت مسلمین این است که اختیار

و هر آنچه در اختیار ما قرار داده است به صورت امانت، برای بهره‌گیری از آنها در جهت رشد و کمال مادی و معنوی است. در قرآن مجید بارها این آیه تکرار شده است که: **لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ...**^۴ آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، برای خداوند است.

با توجه به این آیه شریفه می‌توان اذعان کرد که خود انسان نیز مملوک خداوند است و در پرتو این آیه روشن می‌شود که همه اموال و اشیا و تمامی نعمتها و موهبتها و هر آنچه در نزد و اختیار انسان است، در حقیقت از آن خداوند است و خداوند آن را به عنوان امانت و ودیعه در دست او قرار داده است که از آن بهره‌مند شود. به همین جهت در مسیر بهره‌گیری از این امانت شرایطی قرار داده است که باید رعایت گردد.

الف: بهره‌گیری و استفاده از نعمتهای الهی
باید از طریق حلال و طیب باشد. "یا ایها الناس کُلُوا مِمَّا فِی الْاَرْضِ حَلٰلًا طَیِّبًا"^۵ یعنی ای مردم، از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را بخورید.

ب: در بهره‌گیری و استفاده از نعمتهای الهی
از طریق شیطان پیروی نشود. "وَلَا تَتَّبِعُوا حُطُوٰتِ الشَّیْطٰنِ ..."^۶ یعنی از گامهای شیطان پیروی نکنید.

ج: سپاسگزاری در برابر بهره‌گیری و استفاده از نعمت‌ها. "وَاشْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ"^۷ شکرگزار نعمت‌های خداوند باشید.

د: عدم سرکشی و طغیان، اجتناب از اسراف و به باطل بهره‌مند نشدن از نعمتها.
"کُلُوا مِنْ طَیِّبٰتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِیْهِ، فَبِئْسَ عَلَمٌ مِّنْ غَضَبِی ..."^۸ از (نعمتهای) پاکیزه‌ای که



دارد، لازم است از همان اوایل دوره کودکی و نوجوانی به تناسب درک فرزند، او را با چگونگی کار، تولید، خدمت به جامعه و اصول و ارزشهای حاکم بر آن، آشنا سازد. یقیناً در زندگی گسترده و پیچیده امروز علاوه بر پدر و مادر، دستگاه تعلیم و تربیت نیز مسؤلیت این آموزشها را به عهده دارد و در ترغیب و تشویق فرزندان به رعایت این اصول باید راهنمایی و ارشاد لازم را بنماید. مواردی از این اصول را به منظور عطف توجه خوانندگان محترم، در این بخش یادآور می‌شویم.

۱- مالکیت اصلی از آن خداوند متعال است

می‌فرماید: "... وَأَتَوْهُمْ مِنْ شَالِ اللّٰهِ الَّذِي
 آتَيْكُمْ ...^{۱۰} و از آن مالی که خدا به شما داده
 است به ایشان (نیازمندان) بدهید. " از این آیه
 استفاده می‌شود که مال از آنِ خداست و از آنچه
 خداوند در دسترس اشخاص قرار داده ،
 موظفند در مواردی که خداوند دستور می‌دهد
 خرج نمایند و این رسم امامتداری و بندگی
 است . روایتی را بدین مضمون از امام صادق
 علیه‌السلام نقل کرده‌اند که "عنوان بصری" از
 امام علیه‌السلام پرسید : "ای ابا عبدالله حقیقت
 عبودیت و بندگی چیست ؟ فرمود: سه چیز
 است : اول اینکه بنده، در آنچه خداوند از

روزی شما کرده‌ایم بهره‌مند شوید، ولی در آن
 افزون‌خواهی و سرکشی نکند که خشم من بر
 شما فرود آید."

"كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا ، إِنَّهُ لَا يُحِبُّ
 الْمُسْرِفِينَ"^۹ - بخورید و بیاشامید، ولی اسراف
 نکنید، برآستی که خداوند اسرافکاران را
 دوست نمی‌دارد."

"وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ ..."^{۱۱} و
 اموال خودتان را در بین خودتان به باطل
 نخورید.

۲- حق بهره‌مندی از نعمتهای الهی با کسی
 است که تلاش نماید و با کار کردن رزق حلال را
 کسب و جلب کند.

قرآن کریم انسان را مالک تلاش و کار خود
 می‌شناسد می‌فرماید: " وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا
 سَعَى . وَأَنْ سَعْيُهُ سَوْفَ يُرَى "^{۱۱} - و اینکه برای
 انسان جز حاصل تلاش او نیست و [نتیجه]
 کوشش او به زودی دیده خواهد شد."

هر آن کس که بدون کار و تلاش بخواهد از
 دسترنج دیگران بخورد و یا سربرار دیگران
 گردد، از رحمت خداوند به دور است . پیامبر
 اسلام صلی‌الله علیه و آله و سلم فرمودند:
 " مَلْعُونٌ مَنْ أَلْفَى كَلَّهُ عَلَى النَّاسِ " ^{۱۲} - کسی که
 هزینه زندگی خود را بر دوش دیگران بگذارد از
 رحمت خداوند به دور است و مشمول لعن و
 نفرین می‌باشد. حتی در برخی روایات تلاش
 برای تأمین معیشت زندگی همسنگ جهاد
 فی سبیل‌الله شمرده شده است امام صادق
 علیه‌السلام فرمودند: " أَلْكَأُ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمَجَاهِدِ
 فِي سَبِيلِ اللّٰهِ " ^{۱۳}

۳- در بهره‌گیری از نعمتهای خداوند،
 دیگران نیز شریکند و برای محرومان و
 تنگدستان نیز حقی است . قرآن در این باره



ثروت و مکتنت بر او ارزانی داشته است ، برای خود حقی قائل نشود، زیرا برای بنده و مملوک ، ملک و ثروتی نیست . آنها مال را مال خدا می دانند و آن را در جایی مصرف می کنند که خداوند به آنان دستور داده است ...^{۱۵}

قرآن کریم در سوره حدید به این حقیقت چنین تصریح می کند: " اِمْتُوا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ وَاَتَّقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِيْنَ فِيْهِ ، فَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَاَتَّقُوا لَهُمْ اَجْرًا كَبِيْرًا " .^{۱۶} - به خدا و پیامبر او ایمان آورید و از آنچه شما را در استفاده از آن جانشین قرار داده ، انفاق کنید . پس کسانی از شما که ایمان آورده و انفاق کرده باشند، پاداش بزرگی خواهند داشت .

۴- بهره گیری از اموال و نعمتها نباید موجب اضرار به غیر باشد. در فقه اسلامی قاعده معروفی است که حاکم بر بسیاری از حقوق است و آن قاعده معروف است به قاعده " لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام " . یعنی در اسلام ضررپذیری و زیان رسانی به غیر جایز نیست و به آن رضایت داده نشده است . مالکیت کسی نمی تواند مستمسک ضرر رساندن به غیر باشد. خداوند در قرآن کریم حتی رضایت نمی دهد که پدر و مادر به خاطر فرزندشان متحمل ضرر و زیان شوند، تا چه رسد به غیر.^{۱۷} و در روایتی از پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ آمده است : " دو خصلت است که بدتر از آنها خصلتی نیست . اوّل شرک ورزیدن به خداوند متعال و دیگری ضرر رسانی به بندگان خدا. "^{۱۸}

۵- رعایت حد اعتدال در استفاده و بهره گیری : افراط و تفریط ، اسراف و خست و تبذیر و بخل هر دو از نظر اسلام نکوهیده است .

اسلام اعتدال و میانه روی را در اقتصاد

پسندیده می شمارد و حتی برای انفاق و احسان نیز همین معنی را سفارش می کند. قرآن کریم می فرماید: " وَالَّذِيْنَ اِذَا اَتَقَوْا لَمْ يُنْفِقُوْا وَلَمْ يَقْتُرُوْا وَكَانَ بَيْنَ ذٰلِكَ قَوَامًا " .^{۱۹} - (بندگان خدای رحمان) کسانی هستند که چون انفاق کنند، نه ولخرجی می کنند و نه تنگ می گیرند و میان این دو (روش) حد وسط را بر می گیرند. " در استفاده و بهره گیری از نعمتهای الهی نیز اسراف را نمی پسندد و از این عمل نهی می کند. در زندگی داخلی نیز اقتصاد و میانه روی را سفارش می کند. امام رضا علیه السلام می فرماید: " وَلِيَكُنْ تَقَاتُكَ عَلٰى نَفْسِكَ وَ عِيَالِكَ قَصْدًا " .^{۲۰} - باید در صرف مال برای خود و خانواده ات میانه رو و معتدل باشی . " خداوند متعال در قرآن مجید پس از تأکید بر ادای حقوق ارحام و ذوی الحقوق ، از گشاده دستی که منتهی به ولخرجی شود، نهی کرده ، آن را عملی ناپسند می شمارد: " وَاِنَّ ذٰلِكَ لَآلْقُرْاٰنِيْ حَقٌّ وَاَلْمُنْكَرِيْنَ وَاِنَّ السَّبِيْلَ وَاَلْتَّبَدُّرَ تَبْدِيْرًا ، اِنَّ الْمُبْدِرِيْنَ كَانُوْا اِخْوَانَ الشَّيْطٰنِيْنَ وَكَانَ الشَّيْطٰنُ لِرَبِّهِ كَفُوْرًا " .^{۲۱} و حق خویشاوندان را به آنها بده و مستمند و در راه مانده را (دستگیری کن) و ولخرجی و اسراف مکن . چرا که اسرافکاران برادران شیطانهایند و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است .

چگونه عمل کنیم ؟

اکنون که به اجمال از اصول کلی نگرش اقتصادی اسلام آگاه شدیم، در محیط خانه و مدرسه چگونه عمل کنیم تا فرزندان آنها را بیاموزد و بدان عمل کنند؟

۱- به فرزندان خود بیاموزیم هر چه در این عالم وجود دارد، از آن خداست و هر آنچه او



نوجوانان و جوانان به علت شرایطی خاص، در انتخاب شغل تصمیم نامعقولی بگیرند، مثلاً درصدد باشند که پول بیشتری کسب کنند، لذا باید در این مرحله آن اصول کلی را یادآور شد. البته مسیر تکاملی انتخاب شغل و حرفه در تمامی طول زندگی ادامه دارد و با افزایش سن و بلوغ حرفه‌ای انتخابها معقولتر می‌شود، اما در این باب راهنمایی و مشاوره والدین و مشاوران مدرسه اهمیت خاصی دارد.

سه‌کودکان را تمرین دهیم تا از پول روزانه خود مقداری را پس‌انداز کنند و یا بخشی از آن

در اختیار ما قرار داده به‌طور امانت است. امانتدار خوب کسی است که امانت‌ها را در جهت رضایت صاحب امانت بکارگیرد. این آموزش زمانی در جان و ضمیر فرزندان جای می‌گیرد، که به موازات این گفتار، رفتار مطابق آن را در ما مشاهده کنند. انفاق، صدقه، دستگیری از محرومان، پرداخت حقوق واجبه شرعی مانند خمس و زکات، نمونه‌هایی از باز پرداخت امانتی است که بر عهده ماست.

۲- آنچه از احکام حلال و حرام است به کودکان خود بیاموزیم. تصرف در اموال دیگری را جایز نشماریم، به حقوق دیگران تعدی نکنیم، برای کسب در آمد، از حیل‌های اقتصادی بهره نگیریم، ارتزاق از راه حلال را عملاً به فرزندان خود نشان دهیم و به آنها بیاموزیم که طلب روزی حلال، واجب و رضایت خداوند در آن است. از کار کردن عار نداشته باشیم و فرزندان خود را به آموختن مهارت و یادگیری یک حرفه تشویق کنیم.

۳- سعی کنیم با شناختن ذوق و علاقه و استعداد فرزندانمان، فرصتی را فراهم کنیم تا در ایام فراغت، بخشی از اوقات آنان به فراگیری حرفه و یا شغلی اختصاص یابد. این مرحله می‌تواند پیش درآمدی برای خودآزمایی نوجوانان و جوانان باشد. آنها در این مرحله می‌توانند در انتخاب مشاغل مناسب، مطابق با علاقه و استعداد و توانایی‌های خود و نیازهای جامعه، با دقت و هوشیاری بیشتری عمل کنند.

۴- اگر فرزندان به صورت آزمایشی و یا در ایام فراغت کار کرده، مزدی کسب می‌کنند، درآمد آنها را در اختیار خودشان قرار دهیم و از آنها بخواهیم که برای هزینه کردن آن برنامه‌ریزی کنند. ممکن است برخی از

محدثات نوری

- ۴- این آیه در سوره بقره، ۲۸۴، سوره آل عمران، ۱۲۹، سوره نساء، آیات ۱۲۶ و ۱۳۱ و ۱۷۱ و سوره یونس، آیه ۶۶ تکرار شده است.
- ۵- سوره بقره، آیه ۱۶۸
- ۶- سوره بقره، آیه ۱۶۸
- ۷- سوره نحل، آیه ۱۱۴
- ۸- سوره طه، آیه ۸۱
- ۹- سوره اعراف، آیه ۳۱
- ۱۰- سوره بقره، آیه ۱۸۲
- ۱۱- سوره نجم، آیه ۴۰ و ۴۱
- ۱۲- وسایل الشیعه، جلد ۱۵، صفحه ۲۵۱
- ۱۳- وسایل الشیعه، جلد ۱۲، صفحه ۴۳
- ۱۴- سوره نور، آیه ۳۳
- ۱۵- الحیة، جلد ۳، صفحه ۶۲ و ۶۳، استاد محمدرضا حکیمی و همکاران
- ۱۶- سوره حدید، آیه ۷
- ۱۷- ... لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ ... سوره بقره، آیه ۲۳۳
- ۱۸- تحف العقول، صفحه ۳۱، ابن شعبه حرانی
- ۱۹- سوره فرقان، آیه ۶۷
- ۲۰- مستدرک الوسائل، جلد ۲، صفحه ۴۲۳، محدث نوری
- ۲۱- سوره اسراء، آیه ۲۶ و ۲۷

را برای امور خاص هزینه نمایند. مدیریت اقتصادی آنها را در هزینه کردن پول روزانه تقویت کنیم. بهتر است پول توجیبی بچه‌ها را به صورت هفتگی یا ماهیانه در اختیارشان قرار داد. در این صورت والدین می‌توانند برنامه کلی خودشان را ارائه دهند و آنگاه فرزندان را آزاد بگذارند تا مخارجشان را بر طبق بودجه خود تنظیم نمایند و تدریجاً به اقتصاد و حساب دخل و خرج آشنا شوند. در سنین نوجوانی می‌توان مدیریت مالی بخشی از هزینه‌های زندگی را به عهده آنان واگذار کرد و در پایان حسابرسی نمود.

- ۶- اگرچه وضع زندگی خانواده خوب و دارای مکتب و ثروت باشد، باز هم لازم است پدر و مادر اعتدال و میانه‌روی را به فرزندان بیاموزند و آنها را از اسراف و تبذیر بر حذر دارند.
- ۷- در مدارس با ایجاد تعاونیهای دانش‌آموزی و اداره آن به وسیله دانش‌آموزان، می‌توان سرمایه‌گذاری مشترک را به آنان آموخت و روحیه تعاون و مسؤلیت‌پذیری مشترک را در آنان ایجاد کرد.
- ۸- با ایجاد بنیاد خیریه و تعاون در مدرسه و پذیرش عضویت از سوی دانش‌آموزان، می‌توان روحیه تعاون و امداد به دیگران را در آنان تقویت کرد.

پی نوشتها:

- ۱- وسایل الشیعه، جلد ۱۵، صفحه ۱۲۳، شیخ حرّ عاملی
- ۲- قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۴
- ۳- مستدرک الوسائل، جلد ۲، صفحه ۳۹۳

